

## **Rereading the legitimacy in the theory of religious democracy of Ayatollah Seyyed Mohammad Baqir Sadr**

**Hosseinali Saadi\***

Received: 2019/10/20

Accepted: 2020/08/31

One of the important political issues in the history of mankind is the level and quality of people's role in governance and how to deal with the anger that occurs between the powers of the rulers and the rights of the people. Because, in my view, the conquest of a system of sovereignty is equitable to the conquest of individual rights in the community. This has duplicated the need to establish the basis of the legitimacy of gaining and exercising power on an accepted basis in political think tanks. Based on this, different schools of thought have emerged in this field and designed the basis of legitimacy in the political realm for a particular system. In the thought of Imami jurisprudence, this issue also has different opinions and opinions, largely due to the logical relationship between the "confrontation" that lies between the rights and duties of the governor and the people, around the concept of "Velayat-e faqih". Ayatollah Seyyed Mohammad Baqir Sadr, an Islamic scholar, unlike the common practice of the jurists, has raised the issue of legitimacy of power under the theory of "al-'Anan and the testimony of al-Anbiya." The basis that he has chosen in this theory to provide legitimacy is based on the Qur'anic forms and from the perspective of a new theory. In this article, through a descriptive-analytical method, a "divine-folk" divine legitimacy reading, considered evolutionary in the theory of "installation," will be explained and re-read.

**Keywords:** Legitimacy, Political jurisprudence, Seyyed Mohammad Baqir Sadr, Religious democracy, Velayat-e faqih.

---

\* Associate Professor of Jurisprudence & Islamic Law, Imam Sadig University, Tehran, I.R.Iran.  
saadi@isu.ac.ir

## بازخوانی مشروعیت دوپایه از منظر آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۰

مقاله برای بازنگری به مدت ۱۹۱ روز نزد نویسنده بوده است.

حسین علی سعدی\*

### چکیده

یکی از مسائل مهم سیاسی در طول تاریخ بشریت، میزان و کیفیت نقش‌آفرینی مردم در حاکمیت و چگونگی پرداختن به تراحماتی است که بین اختیارات حکام و حقوق مردم رخ می‌دهد. در اندیشه فقه امامی نیز این مسئله دارای اقوال و آراء مختلفی است که عمدتاً به دلیل رابطه منطقی «تضایف» که بین حقوق و تکالیف والی و مردم مطرح است، حول نظریه «ولایت فقیه» به منصف ظهور رسیده است. در این نوشتار با رویکرد توصیفی - تحلیلی، به این سؤال پاسخ داده شده که مبانی، ارکان و قلمرو مشروعیت دوپایه «الهی - مردمی» از منظر شهید صدر چیست؟ یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارد که ایشان برخلاف رویه معمول فقها، مسئله مشروعیت قدرت را با رویکردی اعتقادی در ذیل نظریه «خلافة الأنسان و شهادة الأنبياء» مطرح نموده است. مبانی که ایشان در این نظریه برای تأمین مشروعیت برگزیده، مبتنی بر درون مایه‌های قرآنی و از منظر روشی یک نظریه نوین محسوب می‌شود. در نهایت ایشان به این نتیجه می‌رسد که در عصر غیبت برای اکثریت جامعه مبدأ حقانیت و تحقق حکومت است و مشروعیت حکومت از آزادی مردم ناشی می‌شود. نقش مرجعیت هم نظارت خواهد بود.

واژگان کلیدی: سیدمحمدباقر صدر، فقه سیاسی، مردم‌سالاری دینی، مشروعیت، ولایت فقیه.

## مقدمه

**بیان مسئله:** یکی از مسائل اساسی در حوزه فلسفه سیاسی و حقوق عمومی، خاستگاه مشروعیت قدرت است که به طرح نظریه‌های مختلفی منتهی شده است. مسئله اصلی نوشتار حاضر بازخوانی و فهم دیدگاه سیدمحمدباقر صدر در این خصوص می‌باشد. اهمیت: رابطه ولایت امر با خواست مردم، موضوع مهمی است که با توجه به شرایط و مبانی بحث، نیازمند بازخوانی می‌باشد. از این حیث چند دیدگاه محوری بیان شده که نظریه‌های نصب (استقلال مسئله ولایت امر از رأی و اراده مردم)، نخب (استقلال و اصالت رأی مردم و تبعیت حکومت از رأی مردم) و مشروعیت دویپایه، از جمله آنها است. در خصوص نظریه سوم که موضوع نوشتار حاضر را شکل می‌دهد، باید حدود تعامل دویپایه، موازنه آنها و سهم اثر هر یک در مشروعیت تبیین شود. با این تفسیر مقاله حاضر از حیث نظری دارای اهمیت است. افزون بر اینکه از حیث رویکرد، به دلیل تمرکز بر دیدگاه شهید صدر، از اهمیت موضوعی نیز برخوردار است.

**ضرورت:** مشروعیت قدرت در زمان حضور معصومین (علیهم‌السلام) توسط فقه شیعه با نظریه نصب پاسخ داده شده، اما این سؤال در عصر غیبت موضوع بحث‌های زیادی بوده که در این میان می‌توان دو رویکرد اصلی را از هم تمییز داد: عده‌ای قائلند عصر غیبت با عصر حضور در این خصوص تفاوتی ندارد و فقیه جامع‌الشرایط منصوب می‌شود. در این رویکرد آرای مردم، نه در حوزه «ولایت» بلکه در حوزه «تولی» و «تحقق حکومت» دارای اثر است. دیدگاه دوم به تفاوت عصر حضور و عصر غیبت معتقد است؛ چرا که در این دوره معصوم و نص مرتبط با نصب ایشان دیگر وجود ندارد و حکومت به توده مردم واگذار شده و با انتخاب و رأی مردم شکل می‌گیرد. با توجه به طرح این مباحث در عرصه نظری و عملی جامعه ما، از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون، مشخص می‌شود که ورود به این بحث هم دارای ضرورت نظری است و هم برای جمهوری اسلامی ایران دارای ضرورت کاربردی می‌باشد.

**اهداف:** متفکر شهید سیدمحمدباقر صدر نظریه خود را با عنوان «خلاقه الانسان و شهادة الانبياء» در کتاب «الاسلام يقود الحياة» (صدر، ۱۴۲۱) مطرح کرده که در نوع خود بدیع و قابل توجه است. هدف از بازخوانی این نظریه آن است که بتوان رهیافت جدیدی در

مسئله تعامل و تعادل رأی مردم با نصب الهی ارایه نمود؛ موضوعی که به درک بهتر و تقویت بیشتر مردم‌سالاری دینی در جمهوری اسلامی ایران، کمک می‌نماید.

**سؤال‌ها و فرضیه:** سؤال اصلی تحقیق عبارتست از: نظریه مشروعیت شهید سیدمحمدباقر صدر چیست؟ در این ارتباط پرسش از: مبانی و ارکان نظریه مشروعیت نزد شهید صدر، و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با سایر نظریه‌های موجود؛ به عنوان سؤال‌های فرعی مطرح شده‌اند. لازم به ذکر است که این تحقیق فرضیه‌آزما نمی‌باشد.

**روش پژوهش:** این پژوهش از نوع بنیادی با رویکرد توصیفی - تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها اسنادی بوده و برای تحلیل داده‌ها از روش اجتهادی استفاده شده است. به این معنا که در گام نخست نظریه شهید صدر به عنوان نظریه مبنا تبیین و ارائه شده؛ در گام دوم، مقومات این نظریه استنباط گردیده و بالاخره در گام سوم نسبت به تحلیل محتوایی آنها با رجوع به منابع فقهی اقدام شده است.

#### ۱. پیشینه

آثاری که درباره اندیشه سیاسی آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر نگاشته شده را می‌توان با توجه به نوع ورود آنها به موضوع مشروعیت، در دو دسته تقسیم‌بندی نمود:

##### ۱-۱. آثاری که به طور مطلق به بررسی اندیشه‌های سیاسی شهید صدر اختصاص دارند.

در این ارتباط می‌توان به آثار مهاجرنیا (۱۳۸۹)، برجی (۱۳۸۵) و پورفرد (۱۳۸۶) و (۱۳۸۴) اشاره داشت. این آثار به دلیل پرداختن به بعد سیاسی اندیشه‌های صدر دارای اهمیت است، اما از آن حیث که به طور خاص موضوع مبانی و ابعاد «مشروعیت» را مورد تحلیل قرار نداده‌اند، درخور نقد بوده و از نوشتار حاضر متمایز می‌شوند.

##### ۲-۱. آثاری که بر اندیشه شهید صدر در حوزه مردم‌سالاری تمرکز دارند.

در این خصوص می‌توان به مقاله فاضلی (۱۳۹۰) اشاره داشت که به خاطر توجه به بُعد مردمی مشروعیت حائز اهمیت بوده و به موضوع مقاله حاضر شبیه هستند. اما از آن حیث که روش تحلیل فقهی و اجتهادی در آنها محوریت ندارد و بیشتر از نقش عمومی مردم سخن گفته شده، نوشتار حاضر از آنها متمایز است.

با عنایت به بررسی به عمل آمده مشخص می‌شود که وجه بارز این تحقیق آن است که برای اولین بار در چارچوب اندیشه سیاسی شهید صدر نظریه خلافت انسان، ساخت‌یابی نوینی یافته و با عنوان «نظریه دویپایه مشروعیت الهی - مردمی» با روش اجتهادی، ارائه شده است.

## ۲. مبانی مفهومی و نظری

شهید صدر نظریه خود را مستند به آیاتی از قرآن مجید ارایه نموده و از این حیث به نوعی آیات الاحکام را در حوزه مباحث اجتماعی توسعه داده است؛ یعنی علاوه بر آیاتی که معمولاً فقها در فقه سنتی بدان استناد کرده‌اند، از آیات دیگری نیز بهره برده است. مبادی مفهومی و نظری این رویکرد عبارتند از:

### ۲-۱. خط خلافت

شهید صدر با استناد به آیات شریفه قرآن کریم<sup>۱</sup> که مسئله خلافت انسان را مطرح می‌نمایند؛ چنین استنباط می‌نماید: «خدای متعال انسان را با خلافت در زمین شرافت داد و به همین ویژگی انسان از همه عناصر خلقت متمایز می‌شود و این خلافت انسان را شایسته می‌سازد که سجود ملائکه واقع گردد. خلافتی که در قرآن مطرح می‌کند مختص شخص آدم نبود و برای جنس بشر است چراکه حضرت آدم افساد در زمین و خونریزی نداشت بلکه جنس بشر در امتداد تاریخی خود این وصف را دارد لذا خلافت به نوع بشر امتداد تاریخی خود داده شده است و هر کجا قرآن از استخلاف الهی سخن می‌گوید از تحمل این و امانت الهی از سوی انسان نیز سخن می‌گوید، «انا عرضنا الامانة على السماوات والارض» و دایره خلافت انسان محدود به زمین نمی‌شود و شامل همه حوزه‌های مستخلف می‌شود لذا از اینجا دانسته می‌شود که خلافتی که در قرآن مطرح شده است مبنای اساسی حکومت است و حکومت بر مردم فرع بر جعل خلافت است» (صدر، ۱۴۲۱، ص ۱۲۸). نکته مهم سخن شهید صدر این است که چون خدای متعال انسان را خلیفه خود در زمین قرارداد، در واقع جامعه بشری را در ساختن زمین به خلافت خود برگزیده - این ساختن اعم از ساختن طبیعی و اجتماعی است - و نظام‌سازی اجتماعی نیز به انسان واگذار شده است.

## ۲-۲. خط شهادت

شهید صدر مستند به آیات شریفه قرآن کریم<sup>۲</sup>، در کنار خط خلافت از خط دیگری به نام خط شهادت نیز یاد می‌کند. تمثیل این خط در افراد زیر است: انبیاء و امامان که امتداد ربانی خط نبوتند و مرجعیت که امتداد رشیده نبوت و امامت است. خط شهادت نقش خود را در حوزه‌های ذیل ایفا می‌کند:

اول. حفاظت از شرایع و رسالت آسمانی،

دوم. اشراف بر نقش‌آفرینی انسان در خلافت و تحمل مسئولیت در هدایت انسان؛

سوم. دخالت در برابر انحرافات که در مسیر اعمال خلافت بشری، رخ می‌دهد.

لذا مسئولیت شهید در برابر جامعه و مسیر حرکت او در راستای اعمال خلافت را این‌گونه معرفی می‌کند: «شهید محل مراجعه عمومی از منظر فکری و ایدئولوژی دینی است. او بر حرکت اجتماع و انسجام فکری جامعه که نسبت به رسالت ربانی در اختیار دارد، مشرف است و اگر انحرافی در این مسیر رخ دهد شهید مسئول است تا جامعه را به مسیر صحیح بازگرداند» (صدر، ۱۴۲۱، ص. ۱۳۷).

## ۳-۲. جدایی خط خلافت و شهادت در دوره غیبت

بعد از ترسیم خط خلافت و اعطای آن به نوع بشر و خط شهادت و اعطای آن به انبیاء و امامان و فقها و همچنین بیان میزان تعامل این دو خط با استناد به آیات مذکور قرآن کریم، شهید صدر به دوره غیبت کبری می‌پردازد. ویژگی دوره غیبت تحولی است که در خط شهادت اتفاق می‌افتد و این ویژگی موجب تفاوت بنیادین در مسئولیت و یا به تعبیری حق حاکمیت می‌شود؛ این ویژگی عدم حضور معصوم است. با حضور معصوم خط شهادت و خلافت در یک انسان مجتمع می‌شود ولی در دوره غیبت که معصوم حضور ندارند این دو خط از هم جدا و متمایز می‌شود (صدر، ۱۴۲۱، ص. ۱۵۹). براین اساس در عصر غیبت خط شهادت به مرجعیت که امتداد نبوت و امامت است منتقل می‌شود که مسئولیت‌های ذیل را بر عهده می‌گیرد:

اول. مسئولیت حفاظت از شریعت و رسالت و دفع شبهات.

دوم. مرجع در بیان احکام اسلامی و مفاهیم آن خواهد بود و اجتهاد او از اسلام ملاک برای حرکت امت می‌باشد و البته این اجتهاد محدود به عناصر ثابت شریعت نمی‌شود

بلکه تبیین عناصر زمانی و مکانی و سیاسی را نیز بر عهده دارد و به تعبیری مسئول بیان ایدئولوژی اسلامی است.

سوم. مشرف و ناظر بر امت است که این اشراف و نظارت گاهی اوقات اقتضاء می‌کند که در امور دخالت کرده و آن را از مسیر انحراف خارج کند. از خصائص عصر غیبت این است که «شهید» در این دوره از سوی خدای متعال با صفات و شرایط عامه معرفی شده است ولی شخص شهید از سوی امت انتخاب می‌شود چراکه مسئولیت اختیار حافظ بر دوش او نهاده شده است.

#### ۲-۴. انتقال خط خلافت به امت

چون در عصر غیبت شهید به اوصاف و شرایط عامه مشخص شده، انتخاب شخص شهید، و به تعبیری مرجعی که مسئولیت اداره جامعه را به عهده می‌گیرد، به امت و جامعه واگذار شده است. یعنی در کنار تفاوتی که در حوزه «شهید» و در عصر حضور و غیبت ایجاد می‌شود که به اختلاف حکم می‌انجامد، یک تفاوت هم در خط خلافت و جامعه ممکن است ایجاد شود. اگر صاحبان خط خلافت محکوم طواغیت باشند که در نتیجه نتوانند اعمال رأی و نظر نمایند در این صورت خط خلافت نیز به مرجع و شهید منتقل می‌شود و تا جایی که امکان دارد اعمال تصرف و ولایت می‌کند؛ در این صورت که امت و صاحبان خط خلافت قاصر از اعمال حق است ولو دوره غیبت و عدم حضور معصوم باشد خط خلافت و شهادت مجتمع می‌شود و اجتماع در این صورت متوقف بر عصمت نیست (صدر، ۱۴۲۱، ص. ۱۵۹). حالت دومی که برای امت و صاحبان خط خلافت تصور می‌شود این است که خود را از دست طواغیت نجات داده و به آزادی رسیده است. در این صورت خط خلافت مستقل به امت واگذار شده و خط شهادت مسئول نظارت است به تعبیری قیادت و رهبری سیاسی اجتماعی به امت منتقل می‌شود (صدر، ۱۴۲۱، صص. ۱۶۱-۱۶۰).

شهید صدر در استدلال بر این ادعا که خط خلافت به امت منتقل می‌شود و به تعبیری ملت حق حاکمیت و انشاء ولایت می‌یابد، به دو آیه استناد نموده است. مفاد آیه اول این است که امت صلاحیت سرپرستی امور خود را از طریق شورا دارد تا جایی که نصی بر خلاف آن نباشد. مفاد آیه دوم این است که هر مؤمنی ولی مؤمن دیگری

است و منظور از ولایت در این آیه، ولایت در امور است به قرینه اینکه امر به معروف و نهی از منکر را که نوعی تصرف می باشد، به آن تفریع کرده است. بر این اساس مدلول آیه این است که ولایت بین همه مؤمنین در جامعه به صورت متساوی سریان دارد که در نتیجه در امور موضوع شورا، اگر اختلاف شد به رأی اکثریت عمل خواهد شد.

## ۲-۵. سناریوهای حکومتی

شهید صدر دو سناریوی اصلی را برای حکومت از هم تمیز می دهد که در آن وجود یا عدم وجود طاغوت، به عنوان یک شاخص اصلی مطرح است.

### سناریوی اول. وجود جامعه‌ای آزاد از طاغوت

در این وضعیت ایشان مردم را مبنای مشروعیت قدرت و حکومت می داند. شهید صدر با تکفیک عصر غیبت و حضور، معتقد است در عصر غیبت رأی اکثریت جامعه مبدأ حقانیت و تحقق حکومت خواهد بود و حکومت مشروعیت خود را از آرای مردم کسب خواهد کرد. نقش مرجعیت هم نظارت خواهد بود؛ این توزیع خط خلافت و شهادت در عصر غیبت معصوم است. البته این تفکیک به معنای عدم حق ورود برای مرجع در خط خلافت نیست. به تعبیری مرجع از یک حیث شأن شهید و ناظر بر حرکت اجتماعی را دارا است، ولی منحصر به این نمی شود؛ چراکه او جزء امت هم هست و معمولاً از باهوش ترین افراد امت هم می باشد. بنابراین از آن حیث که مرجع جزئی از امت است به میزان اثرگذاری اجتماعی و اعتماد عمومی می تواند در خط خلافت نیز نقش آفرینی داشته باشد (صدر، ۱۴۲۱، ص. ۱۶۲).

### سناریوی دوم. وجود جامعه‌ای تحت نفوذ طاغوت

اگر جامعه محکوم طاغوت باشد و امکان اعمال حق حاکمیت نباشد، در این صورت خط خلافت و شهادت در مرجع مجتمع می شود. البته در اینجا به خاطر حاکمیت طاغوت، امکان عملیاتی شدن خط خلافت نیست و به همین خاطر اشکال عدم عصمت پیش نمی آید. حداقل های خط خلافت و اعمال ولایت که ممکن الحصول است به مرجع منتقل می شود تا امت خود را از طاغوت آزاد سازد.



### ۳. تحلیل نظریه

با توجه به تقریری که مرحوم شهید صدر در نظریه «خلافة الانسان و شهادة الانبياء» از نقش مردم در حکومت داشته، مجموعه‌ای از مسائل پیرامون این دیدگاه مطرح می‌شود. برخی از این ملاحظات در جهت رفع ابهام از ابعاد و زوایای مختلف این نظریه و برخی دیگر به جهت رفع تناقضات و خدشه به اصل استدلال شهید صدر در پی‌ریزی یک نظریه جامع است. به همین جهت در این نوشتار، مهمترین محورهای انتقادی که می‌تواند تبیین واضح‌تری از نظریه مرحوم صدر داشته باشد و تناقضاتی که موجب انهدام اصل نظریه می‌شود را، تحلیل می‌نماییم.

#### ۳-۱. تحلیل روش تولید نظریه

نظریه شهید صدر اگرچه از حیث ابتناء بر آیات قرآنی دارای اهمیت و نوآوری است، اما از همین حیث مورد نقد هم واقع شده است.

#### الف. تبیین مسئله: استناد قرآنی یا روایی؟

موضوعی که در تبیین نظریه شهید مطرح می‌شود، این است که: آیا می‌توان صرفاً با استناد به آیات قرآن و بدون توجه به روایات معصومین (علیهم‌السلام) به یک نظریه جامع فقهی ناظر به تکلیف فرد و اجتماع رسید؟ واقع امر آن است که شهید صدر در این موضوع آنچنان که باید و لازمه یک نظریه فقهی است، نه به روایات موافق، نه به روایات مخالف و نه به اقوال فقها و متکلمین استناد نجسته است. این در حالی می‌باشد که در نظریه‌پردازی فقهی، استناد تک‌بعدی به یک منبع از منابع و ادله اسلامی، روش مرسوم نیست. بنابراین از حیث روشی این اشکال مطرح می‌شود که چرا نسبت این آیه با روایت ولایت فقیه بررسی نشده است؟ و اصولاً با چه استناد مرحوم صدر این آیات را منصرف به عصر غیبت نموده و در جهت اثبات جواز شورا و واگذاری امر به مردم از آنها استفاده نموده است؟ دلیل عدم توجه به اطلاق آیه شوری را با وجود اینکه شأن نزول آیات، مسائل عصر حضور بوده است چیست؟

#### ب. تحلیل مسئله استناد به روایات

جهت تحلیل رویکرد روشی شهید صدر، مبنی بر استناد صرف به آیات قرآن کریم، چند نکته را باید لحاظ نمود:

اول. ایشان در آن دسته از نوشته‌های خود که درصدد ارائه یک نظام کلی از اندیشه اسلامی است، تأکید دارد که نظریات اسلامی را به دور از روش‌های استدلالی و شیوه‌های مرسوم در بررسی‌های فقهی ارائه می‌نماید. ایشان تصریح دارد که استناد نظریات به مدارک اسلامی به معنای اثبات حکم شرعی به صورت فقهی نیست. بلکه منظور از استناد به آیات و روایات ایجاد یک درک کلی نسبت به اندیشه اسلامی و دلالت‌های آن است (صدر، ۱۳۹۳، ص. ۴۱). یکی از رویکردهای ثابت شهید صدر در نظریه‌پردازی‌های فقهی استفاده حداکثری از منابع قرآنی و اعتقادی است (به نوعی ایشان تلفیق و پژوهش میان‌رشته‌ای بین معارف دینی را در نظریه‌پردازی‌های خود به طور جدی مطرح نظر قرار می‌دهد) و لذا از این جهت روش‌شناسی نظریه‌پردازی ایشان با روش‌های مرسوم اجتهادی فقهی متفاوت است. حتی در مباحث اصولی شهید صدر این تلفیق و استفاده از درون‌مایه‌های دیگر علوم اسلامی همچون کلام را می‌توان مشاهده نمود. برای مثال در نظریه حق الطاعة ایشان بیشترین بهره را از درون‌مایه‌های کلامی برای در انداختن طرحی نو در مقابل نظریه مشهور اصولیین به کار می‌گیرد.

دوم. مرحوم صدر در بخشی از نظریه خود به دو آیه مذکور استناد کرده است، لیکن اصل نظریه را مبتنی بر آیات، روایات و حتی روایات تفسیری منبعث از آن آورده است. برای مثال در اثبات مهمترین بعد نظریه خود یعنی الهی بودن خط مرجعیت و بعد انتصابی آن که مجموعه‌ای از اوصاف عام و متعین از جانبه باری تعالی است به روایت شریف امام حسن عسگری استناد نموده‌اند (صدر، ۱۴۲۱، ص. ۱۳۸). همچنین در تفسیر آیه «کان الناس امة واحدة...» (قرآن کریم، سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۲۱۳) نیز به روایات تفسیری برای تحلیل یکی شدن خط شهادت و خلافت استناد شده است (صدر، ۱۴۲۱، ص. ۱۴۵)؛ که نقش تعیین‌کننده‌ای در چارچوب نظریه صدر دارد.

### ۲-۳. تحلیل نحوه استنباط از مدلول آیه شریفه شوری

موضوع دیگری که در نظریه صدر نیازمند تحلیل است، استدلال به آیه مبارکه «شاوهم فی الامر» بر تعلق خط خلافت به قاطبه ملت و مبدأیت شورا برای حکومت است.

#### الف. تبیین مسئله: مفاد آیه شوری؟

پیش از شهید صدر نیز مرحوم نائینی چنین استدلالی را مطرح کرده است (نائینی،

۱۴۲۴ق، صص. ۸۴-۸۳). برخی از معاصران نیز با استناد به ادله دیگر و از جمله این آیه مبارکه می‌نویسد: «علاوه بر حق تکوینی سلطنت مردم بر خود، آیه و امرهم شوری بینهم بر این موضوع دلالت می‌کند. همچنین است اخبار فراوان دیگری که در مورد بیعت مردم با پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، خلفاء و ائمه (علیهم‌السلام) وارد شده است» (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص. ۴۰۵). ایشان در جایی دیگر با استناد به آیه می‌نویسد: «معنای این نظریه این است که شورا مبنای اصلی برای حکومت و فرمان روای آن است» (منتظری، ۱۴۱۷، ص. ۲۲۸). با توجه به این سابقه، موضوع اساسی که مقابل این نظریه قرار دارد این است که، مفاد آیه مشورت چیست؟ آیا مشورت و استشاره در خصوص اعمال ولایت و چگونگی حکمرانی است که متأخر از ولایت و مدیریت جامعه است؟ یا به معنای ولایت منبث و متأخر از شورا است که در واقع حق حکومت را به اکثریت داده و فی‌الواقع سلطه اجتماع و خلافت عامه را چنانکه شهید صدر مدعی شده می‌رساند؟

#### ب. تحلیل مسئله مشورت

به تعبیر مرحوم نائینی وضع امور نوعیه به مشورت، مفاد آیه هست ولی در صورتی که طبق ظواهر کلام صدر مدلول آیه را ایجاد حق ولایت برای امت تلقی نماییم، استنتاج ایشان از آیه قابل پذیرش نیست. از بیان مرحوم نائینی فرضیه و احتمال دوم استفاده می‌شود که «ولی» در مقام اعمال ولایت و حکمرانی به مشورت با عقلای امت می‌پردازد و این نکته سیره نبی اکرم است. در سیره حضرت مشورت در حوزه اعمال ولایت و حکمرانی بوده نه در اصل تحقق ولایت و حکومت که ولایت متأخر از رأی اکثریت مردم باشد.<sup>۳</sup> برخی از شاگردان صدر نیز در دلالت آیه شوری به ولایت اشکال دارند. آیت‌الله حائری سه احتمال را مطرح می‌کند (حسینی حائری، ۱۴۲۴، ص. ۱۷۳):

احتمال (۱). شورا صاحب سلطه شرعیه و ولایت باشد.

احتمال (۲). نقش شورا نقش مبدل جواز به لزوم باشد. بدین توضیح که اگر نظری در شورا مطرح شد، برای همه اعضاء الزام‌آور باشد؛ حتی اگر برخلاف رأی شخصی باشد. نتیجه این شورا می‌شود که جواز و آزادی فرد را تبدیل به الزام به رأی شورا می‌کند. مثال فقهی آن مسئله نذر و وجوب وفای به آن شرط و عقد است که الزام‌آورند. نه اینکه شورا همه شئون ولایت عامه را ثابت نماید.

**احتمال (۳).** شورا صرفاً برای استفاده از آرای دیگران است بدون اینکه ایجاد ولایت و یا الزامی نماید. طبق این احتمال شورا هیچ ولایتی نخواهد داشت؛ نه ولایت عامه در احتمال اول و نه ولایت تبدیل جواز به الزام در احتمال دوم.

ایشان با طرح احتمالات فوق می‌نویسد: «در صورتی که مفاد آیه شورا احتمال اول باشد که شورا را مرکز حقانیت قدرت است می‌تواند دلیلی بر نظریه شهید صدر باشد در صورتی که فروض و احتمالات دیگری هم در مدلول آیه مطرح است و بر این اساس است که دلالت آیه شورا بر مدعای شهید صدر با اشکال مواجه است» (حسینی حائری، ۱۴۲۴، ص. ۱۷۳). همچنین برای تحلیل این مسئله در کنار آیه مشورت که «امرهم» را به شورا واگذار کرده، این آیه نیز باید تحلیل شود: «هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد و هر کس نافرمانی خدا و رسولش را کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است!»<sup>۴</sup> چه نسبتی بین این دو آیه مبارکه وجود دارد؟ آیا دو حوزه جدا را مطرح می‌فرماید؟ در اینجا احتمالاتی وجود دارد از جمله اینکه امور عرفی به مردم و امور شرعی که مورد قضا و حکم رسول است، به پیامبر واگذار شده است؛ لذا این دو حوزه از یکدیگر جدایند. این فرضیه بعید است؛ به علت اینکه موضوع در هر دو آیه کریمه «امرهم» بیان شده است. احتمال دیگر اینکه امور عرفی که بر مشورت بنا نهاده شده در حوزه اعمال ولایت قرار می‌گیرد و حتی در همین حوزه نیز اگر در مسئله‌ای رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) حکم کرد باز برای آحاد جامعه لازم است و نمی‌توانند سرپیچی کنند. مضاف بر این سیاق آیه که در کنار اوصاف اخلاقی غیرالزامی قرار گرفته و نیز مکی بودن آیه که هنوز حکومت تشکیل نشده، شاهدی بر اخص بودن دلیل از مدعاست.

### ۳-۳. تحلیل مبنای تفکیک عصر حضور و غیبت

با توجه به اینکه نظریه شهید صدر بر مبنای پذیرش تفکیک عصر غیبت و حضور قرار دارد، این مسئله دارای اهمیت تحلیلی بالایی است.

#### الف. تبیین مسئله: تفکیک عصر غیبت و حضور

سؤال جدی دیگری که در برابر نظریه شهید صدر قرار دارد تفکیک عصر حضور و

غیبت است اگر دلالت آیه بر مبدأ بودن شورا و اکثریت برای حکومت را نپذیریم به چه دلیلی بین عصر حضور و حتی حضور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و عصر غیبت تفکیک حکمی ایجاد شده است؟ مفاد آیه که عام است و اطلاق دارد چرا دوره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را شامل نشود در حالی که به اجماع و تعیین حکومت پیامبر مبتنی بر نص و نصب الهی است نه منبعث از روی اکثریت. این نیز چالش مهم نظریه شهید صدر است که اندماج خط خلافت و خط شهادت براساس این آیه کریمه و تفکیک آنها در ادوار بعدی توجیه نمی‌شود. لذا جدای از اینکه دلالت آیه شورا بر مدعای شهید با اشکال جدی مواجه است و همچنین رابطه آیات و ادله ولایت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه معصومین (علیهم السلام) مثل آیه «ما کان لهم الخیره» (احزاب / آیه ۳۶) با آیه فوق مشخص نشده است، رابطه ادله ولایت فقیه نیز در عصر غیبت حجت (عج الله تعالی فرجه الشریف) با آیه شورا مورد بحث قرار نگرفته است.

#### **ب. تحلیل اصل «تفکیک»**

آیاتی که متعرض ولایت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه معصومین (علیهم السلام) است، مسئله ولایت را از دایره دلیل شورا خارج می‌کند. در اینجا دو حالت وجود دارد. اول آن که خروج را «تخصص» بدانیم و براساس اینکه مسئله ولایت حکم است و ماهیت حکم از شمول «امرهم» خارج است؛ موضوع را تبیین کنیم. دیگر آنکه خروج را «تخصیص» بدانیم و ادله مثبت ولایت را مخصص آیه شورا بدانیم؛ چه اینکه شهید صدر به این نتیجه پای‌بند است یعنی ولایت معصوم را مشمول ادله شورا نمی‌داند و سخن ایشان هم ناظر به عصر غیبت است. ولی چنانکه گذشت هیچ دلیلی بر چنین تفکیک نیست. از سوی دیگر این نکته قابل طرح است که اگر دلالت آیه شورا بر انتقال خط خلافت به امت را با اطلاقش بپذیریم که ظاهر کلمات شهید صدر همین است، به نظر می‌رسد باز هم وجهی برای تفکیک عصر غیبت و حضور نباشد. اگر خلافت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر چند ماهه امام حسن (علیه السلام) را استثناء کنیم در عصر حضور نیز معصوم (علیه السلام) امکان خلافت نداشته و در واقع معصوم (علیه السلام) وجود داشته ولی بسط ید نداشته است در عصر غیبت هم اتفاقی نیافته معصوم (علیه السلام) وجود دارد ولی بسط ید ندارد. مگر اینکه تفسیر دیگری از حضور غیبت ارائه دهیم که دوره حضور یعنی دوره بسط ید و دوره

غیبت یعنی دوره عدم بسط ید. دوره حضور چون امکان حکومت معصوم (علیه‌السلام) است بیعت مردم زمینه‌ساز بسط ید معصوم (علیه‌السلام) می‌شود و خط خلافت و شهادت در او مجتمع می‌شود ولی اگر در همین دوران به هر دلیلی معصوم (علیه‌السلام) مبسوط الید نبود به نظر می‌رسد باید حکماً با دوره غیبت متحد شود و یا تفسیری از غیبت ارائه شود که شامل دوره حضور با عدم بسط ید را شامل شود.

### ۳-۴. تحلیل کیفیت تعلق حق به مجموع امت در آیه شریفه شورا

آیه شریفه شورا برای شهید صدر دارای اهمیت نظری بالایی است و از همین منظر اجمال موجود در این آیه شریفه زمینه نقد تفسیر ارائه شده از سوی شهید صدر را فراهم ساخته است.

#### الف. تبیین مسئله «حق امت»

بافرض قبول مدعای شهید صدر مبنی بر اعطای ولایت به خلافت و امت این سؤال مطرح می‌شود که این حق به مجموعه امت چگونه واگذار شده است؟ آیا میزان اکثریت امت است و به تعبیر دیگر با شاخص کمی باید این ولایت محقق شود یا اینکه شاخص کیفی است و نخبگان و اهل حل و عقد این حق را ایجاد می‌کنند؟ این اجمال را شهید صدر در آیه شورا می‌پذیرد و با استناد به آیه بعدی گویا می‌خواهد رفع اجمال نماید. برخی از شاگردان شهید صدر معتقدند شهید صدر اجمال این آیه را با حمل آن بر ولایت امری امور با توجه به آنکه امر به معروف و نهی از منکر فرع آن قرار داده شده است، مرتفع می‌سازد (حسینی حائری، ۱۴۲۴، صص. ۱۷۵-۱۷۴). حال با این اوصاف آیا می‌توان به وسیله آیه «ولایت مؤمنین» رفع اجمال از آیه شوری نمود؟ و آیا مدعای شهید صدر در این خصوص تمام است؟ این نیز مسئله‌ای است که به طور جدی قابل مناقشه است و چنانکه گفته‌اند برداشت شهید صدر مبتنی بر این فرض است که ولایت مطرح شده در آیه امر به معروف به معنای اولویت در تصرف و نفوذ امر باشد در صورتی که می‌توان ولایت مزبور را به معنای دیگر آن یعنی نصرت و کمک حمل کرد و بر همین معنا نیز امر به معروف و نهی از منکر را تفریع نمود و با هیچ مشکلی مواجه نشد (حسینی حائری، ۱۴۲۴، ص. ۱۷۵). لذا از این ناحیه نیز به نظریه شهید صدر اشکال وارد می‌شود.

نکته دیگری که در نظریه شهید صدر باید مورد مطالعه قرار گیرد این است که با فرض تمامیت دلالت آیه شورا بر انتقال خط خلافت به امت آیا منتخب اطلاق دارد یا گرفتار اجمال است؟ ظاهر عبارت شهید صدر این است که در فرض آزادی ملت از طاغوت، خط خلافت به آن منتقل می‌شود<sup>۵</sup> و این انتخاب نیز از ناحیه شروط منتخب اطلاق دارد و دلیلی بر تقیید و تحدید آن به فقیه نیست؟ این استنباط از طرف شاگرد شهید صدر نیز مورد تأیید قرار گرفته است.<sup>۶</sup> به هر روی اگر ظاهر کلمات صدر ملاحظه شود از منظر ایشان در عصر غیبت خط خلافت به امت انتقال یافته و خط شهادت به مرجعیت منتقل شده و مردم با رأی خود به انتخاب حاکم پرداخته و این نیز موجه و موجب مشروعیت قدرت خواهد شد. این استدلال نیز با این سؤال مواجه شده که آیا آیه شریفه از این حیث در مقام بیان است که بتوان اطلاق منتخب را از آن فهم کرد؟

#### ب. تحلیل اجتماع خط خلافت و شهادت

آنچه در نوشته صدر مطرح شده تفکیک بین دوره آزادی و اسارت ملت است که شاید بتوان آن را به رشد و عدم رشد مولی علیه تنظیر کرد؛ در صورت تحقق رشد، ولایت ولی از مولی علیه برداشته می‌شود و به همین اساس اگر ملت خود را به آزادی و رشد رساند خط خلافت و ولایت اجتماعی بدو منتقل می‌شود و «مرجع» صرفاً ناظر به امور است. این نکته گرچه در کلمات ایشان نیامده ولی قابل استظهار است که البته با صناعت فقهی سازگار نبوده و قابل دفاع نیست. در این خصوص چند پاسخ متصور است:

**پاسخ (۱).** در پاسخ به استنباط از مدلول آیه شورا را نیز باید گفت: ظاهراً آیه مبارکه «و امرهم شورای بینهم» که شهید صدر بدان استدلال نموده، دلالت بر اینکه اکثریت منبع تولید حقانیت قدرت باشد ندارد چنانکه مرحوم نائینی بیان داشت که آیه مبارکه «و امرهم شورای بینهم» هم گرچه فی نفسه بر زیاده از رجحان مشورت دلیل نباشد (نائینی، ۱۴۲۴، ص. ۸۴). اگر روایات باب مشورت نیز تأمل شود معلومی شود که در استشاره و شورای تجمیع خبرویت‌ها و عقول صورت می‌گیرد نه اینکه برای مجموع جعل سلطه شود (بحرانی، ۱۴۲۶ق، ص. ۳۳۲). به تعبیری اجتماع مشورت‌دهندگان برای شناخت راه صواب است و این اجتماع ولایت بر مستشیر نخواهد داشت. وی شاهد هم از قرآن (بقره / آیه ۲۳۳) بر این مسئله اقامه می‌کند که آیه می‌فرماید: «و اگر آن دو، با رضایت

یکدیگر و مشورت، بخواهند کودک را (زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست» (بحرانی، ۱۴۲۶، ص. ۳۳۸). این توصیه به تشاور در رضاع طفل به معنای سلب ولایت رضاع از زوج نمی‌شود.

این امر مسلم است که ولایت از احکام وضعیه است گرچه در نوع جعل آن اختلاف است که آیا استقلالاً مجعول شرعی است یا بالتبع منشأ انتزاع مجعول قرار گرفته است. با اغماض از اینکه ماهیت حکم قسیم ماهیت حق است (اصفهان‌ی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص. ۱۷) و حتی با فرض پذیرش عدم اختلاف ماهوی بین حق و حکم کما اینکه برخی اعلام مطرح کرده‌اند (خویی، بی‌تا، ج ۲، ص. ۴۵)؛ در مسئله مورد بحث تفاوتی ایجاد نمی‌کند. چراکه انکار تفاوت حق و حکم در ماهیت به معنای مساوات در احکام و محمولات نیست و حتی بر مبنای منکرین تفاوت ماهوی نیز تفاوت در ناحیه محمول از منظر قابلیت اسقاط و عدم قابلیت اسقاط و یا مسلط بودن شخص بر برخی از حقوق و عدم سلطه شخص بر برخی حقوق محفوظ است. این نکات به این علت مطرح می‌شود که بیان شود تفاوت‌های انظار فقها در بیان ماهیت حق و حکم در مسئله ما تفاوتی ایجاد نمی‌کند بر هر مبنایی که مشی شود ولایت چه احکام باشد یا فرض عدم تفاوت از حقوق باشد از جمله مسائلی است که وضع و رفعش در دست شارع است نه مردم. امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) در این باره می‌نویسد: «ولایت و حکومت و موارد مانند آن از احکام وضعیه است» (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص. ۳۹).

صدر تأکید دارد که طبق دیگر آیات قرآن سلوک عمومی دین چنین است که مسائل حکومت را با مردم در میان بگذارد (صدر، ۱۴۲۱، صص. ۱۵۳-۱۵۴) و این لزوماً به معنای جعل حکم و تشریح و یا ولایت امر از طرف مردم نیست بلکه به معنای نقش‌آفرینی آنها در مورد وظیفه خلافتی است که بر عهده دارند. همچنین در ادامه شهید صدر با تعبیر «أعباء الحکم ومسؤولیات»، تأکید دارد که این مشورت مربوط به جنبه عملی و حوزه اجراء احکام و قوانین حکومت اسلامی است؛ چرا که در این موارد منقول است پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) هنگام مشورت با یاران خلاف نظر خود نیز عمل کرده‌اند و اگر متعلق این مشورت اعطاء حق ولایت و جعل حکم باشد، لزوماً به معنای این است که نعوذبالله پیامبر نیز خلاف حکم الهی عمل کرده‌اند. زیرا اگر



آنچه پیامبر نسبت بدان نظری متفاوت از جمع شورای داشته‌اند از احکام شریعت الهی بوده است نه تنها مخاطبین مشورت بلکه خود ایشان نمی‌توانند از آن عدول نموده و به دیدگاه جمع عمل کنند. پس پر واضح است آنچه در اینجا مورد شور واقع شده است کیفیات امور اجرایی و تحقق احکام است نه نفس حکم.

شهید صدر در رابطه با کارکرد شورا و هدف از مشورت معصوم با وجود عنصر عصمت با عقول ناقص امت، معتقد است که مشورت گرفتن از طرف فرمانروای معصوم به این جهت است که مردم برای امر خلافت آماده شوند و در ساختن و اداره جامعه مشارکت فعال داشته باشند (صدر، ۱۴۲۱، ص. ۱۵۳). براین اساس طبق تحلیل شهید صدر هدف از واجب شدن مشورت بر معصوم (علیهم‌السلام) و همچنین وجوب بیعت بر امت نسبت به حاکم، تنها آگاهی نسبت به مسئولیتی است که نسبت به شأن خلیفه‌اللهی خود بر عهده داشته و آگاه‌سازی نسبت به وظیفه‌ای که در رشد و سازندگی سرنوشت جامعه بر عهده وی نهاده شده است. همچنین ایشان تصریح دارد که از آیات مشورت قاعده استخراجی شود نه یک حکم جزئی و شخصی محدود. همچنین مفاد این قاعده متعلق زمان «اختلاف‌نظر» است نه اینکه شورا شأنیت جعل حکم را رأساً داشته باشد. به عبارت دیگر تنها در زمان اعمال ولایت از طرف ولی و زمانی که برای نحوه تحقق امور و کیفیت فرآیندهای اجرایی امر حاکمیت اختلاف‌نظر رخ دهد شور و همچنین عمل به رأی اکثریت برای مدیریت نمودن اقوال و آراء مطرح می‌شود (صدر، ۱۴۲۱، ص. ۱۶۱). همان‌طور که برخی نیز مفهومی مانند «شورا» را متعلق به قبل از تشکیل حکومت در مدینه می‌دانند و لذا آن را یک مفهوم اخلاقی تلقی نموده‌اند (البلعید، ۱۹۹۹، ص. ۲۳۷). در نهایت باید گفت اثبات الشی نفی ما عدا نمی‌کند. این آیه نهایتاً دلالت دارد بر اینکه مردم هم در حکومت و ولایت امری نقش دارند نه اینکه صرفاً مبنای مشروعیت حکومت مردم باشند و یا دیگری مشروعیت نداشته باشد. لذا می‌توان این استدلال صدر را تقریری از پایه مشروعیت مردمی حکومت دانست نه کل مشروعیت حکومت. به عبارت دیگر صدر در مقام بیان تمام ارکان مشروعیت حکومت نبوده است بلکه صرفاً در مقام بیان پایه مشروعیت مردمی است.

پاسخ (۲). تنافی مدلولین دو آیه «وشاورهم فی الامر» و «ما کان لمؤمن و مؤمنة...». نکته

دیگری که باید در خصوص فرمایش شهید صدر ملاحظه شود این است که فقها عظام ماهیت ولایت را حکم دانسته‌اند نه حق و براین اساس تخصصاً ولایت از شمول امرهم خارج می‌شود و قهراً اصل حکم و جعل ولایت در دایره امرهم قرار نمی‌گیرد و با فرض تنزل از این ادعا و ایجاد تشکیک در آن بازهم در شبهه مصداقیه نمی‌توان به عموم آیه استناد کرد و به اصطلاح اصولیان برای احراز فردیت نمی‌توان به عموم دلیل استناد جست. براین اساس جعل ولایت یک حکم بوده و تخصصاً از آیه شوری خارج می‌شود و قلمرو شورا و اعمال ولایت است و آیه ناظر به مرحله کسب قدرت نخواهد بود. و این تفاوت ماهوی آشکار بین استطلاع آرای دیگران و موازنه بین آنها برای اجرای بهتر امور و بین سلطه و حق حاکمیت جمهور و اکثریت است که به نظر می‌رسد در کلام این بزرگان خلط شده است. همچنین شهید صدر در عبارات دیگری که دقیقاً پیرامون حق انتخاب مردم نسبت به ولی و نوع حکومت در جمهوری اسلامی ایران مطرح نموده است تصریح دارد که اینجا حوزه حکم و تشریح الهی است و مردم هیچ حق انتخابی ندارند. ایشان در این مورد نیز به همین آیه شریفه استناد نموده است (صدر، ۱۴۲۱، ص. ۳۰).

**پاسخ (۳).** کیفیت تعلق حق به مجموع: شمولیت خلافت نسبت به مردم عموم استغراقی نیست بلکه مجموعی است و مرتبط با نوع انسان است. این اشکال به عنوان یک احتمال در نظریه نخب است و احتمال دیگر نظریه صاحب دراسات است که به عنوان نظریه رقیب مطرح می‌شود مبنی بر اینکه ادله انتخاب از ناحیه شروط منتخب اطلاق ندارند و گرفتار اجمال است و نسبت به شروط منتخب اطلاق شکل گرفته است و به خاطر اجمال در این ناحیه ناگزیر باید به قدر متیقن اکتفا نمود که شخص فقیه است. لذا فقیه منتخب صاحب ولایت خواهد شد و به تعبیر دیگر می‌توان گفت تحدید در حوزه منتخب به نوعی به تحدید دایره انتخاب می‌انجامد. لیکن باید دقت داشت اساساً شهید صدر از منظرگاه دیگری این چنین به این دوگانه پرداخته است و این چنین نیست که از نظر ایشان ادله دارای اجمال باشد و فقیه را با قدر متیقن بتوان برای ولایت امری برگزید. صدر تصریح دارد که امر خط مرجعیت از جانب خداوند متعال تعیین شده است و صرفاً تعیین در شخص برعهده مردم است (صدر، ۱۴۲۱، ص. ۱۳۷). بدین نحو ایشان تصریح دارد که نصب مرجعیت به وسیله نص و از جانب خداوند تعالی است

ولی تعیین و انتخاب آن در شخص واحد از جانب مردم صورت می‌پذیرد. در ادامه نیز به الهی بودن این عهد تأکید مجدد نموده و معتقد است که مرجعیت هويت عام ربانی است که متوقف بر اشخاص نیست و اشخاص طرف این عقد با خدا قرار نمی‌گیرند (صدر، ۱۴۲۱، ص. ۱۳۸). لذا مرجع با صفات و خصوصیات عام از طرف خداوند معین شده است که امت شخص آن را تعیین می‌کند (صدر، ۱۴۲۱، ص. ۱۶۰). بدین ترتیب نفس خط مرجعیت به عنوان یک مجعول شرعی از جانب ذات باری تعالی تکوین و تشریحاً ربانی و الهی بوده و مردم نمی‌توانند هیچ دخل و تصرفی نسبت به آن داشته باشند. لیکن از جهت تعیین در شخص خارجی و انطباق صفات عام بر فقیه جامع‌الشرایط، امت صاحب تشخیص و عمل خواهند بود.

بر این اساس نمی‌توان نظریه شهید صدر را ارجاع مطلق مشروعیت قدرت به رأی مردم و در این قرائت قسیم نظریه ولایت فقیه دانست زیرا همان‌طور که بیان شد ایشان به انتصابی بودن مرجعیت تصریح دارد (صدر، ۱۴۲۱، ص. ۱۳۷) که بدین نحو مشروعیت را با توجه به دوگانه الهی و مردمی بودن خط مرجعیت از جهت نوع و شخص تفسیر و توضیح می‌نماید. لذا نظریه شهید صدر را می‌توان وجه تکاملی نظریه «نصب» دانست که با حفظ چارچوب تئوریک آن نظریه وجوه و ابعاد دیگری را برای پایه‌های مشروعیت مردمی در اندماج با مشروعیت الهی بیان و توصیف نموده است. زیرا طبق دیدگاه شهید صدر از طرفی پایگاه مردمی مشروعیت مانند نظام‌های لیبرال دموکراسی مطلق و رها نیست و چنین طراحی نشده است که بی‌قید و شرط تمام امور به ید مردم نهاده شده و نسبت به آن هیچ تصرفی صورت نگیرد. به همین علت از طرفی هم امر خلافت را یک مسئولیت تلقی نموده و آن را امانتی می‌داند که به انسان واگذار شده است و هم برای جلوگیری از انحراف آن یک ناظر و شهید قرار داده است. این گواه و شهید نیز از یک جهت از طرف شریعت به نصب الهی رسیده است و هم از طرف دیگر برای انتخاب و تعیین به مردم واگذار شده است. این چنین اساس مشروعیت از جانب خداوند صادر و نازل شده؛ لیکن، خود شارع مقدس شروطی را برای تحقق و تکامل این مشروعیت قرار داده است که پایه آن منعطف به انتخاب و تعیین مردم است تا خط خلافت و شهادت در شخص غیرمعصوم تجمیع نگردد و موجبات انحراف دیگری در تسلط و تحکم غیرمعصوم بر امت فراهم نشود (صدر، ۱۴۲۱، ص. ۱۶۱). در این دوگانه امت و مرجعیت، خط خلافت و شهادت برای ایصال

به غایات ربانی که بر عهده این اجتماع نهاده شده است واگذار شده تا با تشریک مساعی بتوانند به سر منزل مقصود نائل آیند (صدر، ۱۴۲۱، ص. ۱۶۱).

### نتیجه‌گیری

در نظریه «خلافة الانسان و شهادة الأنبياء» مبنای مردم‌سالاری دینی و مشروعیت حکومت مردم بر مردم، اتخاذ شأن خلافتی است که از جانب حاکم علی‌الاطلاق به او رسیده است. و همین مبنا در اعطای جواز حکومت مردم بر مردم، که از جانب خداوند نازل شده است، نقطه تفکیک مردم‌سالاری دینی از نظریه‌های لیبرال دموکراسی است. زیرا در نظام‌سازی اجتماعی که مردم‌سالاری به طور مطلق اعمال می‌شود، مردم در قبال کسی مسئول نیستند و مناطات واقعی و حقیقی مبنا عملکرد آنها قرار نمی‌گیرد، بلکه کافی است بر چیزی توافق کنند هرچند با مصلحت و کرامت همه یا بخشی از مردم در تضاد باشد. برخلاف مردم‌سالاری دینی که مردم از جانب خداوند به حکمرانی می‌پردازند و به واسطه آمیختگی خلافت و امانت، مسئولیت‌پذیری در اداء امانت در خلافت و شئون مختلف آن (از جمله حکمرانی) مندمج شده است. بر همین اساس مبنای مشروعیت حکومتی که آیت‌الله صدر بیان داشته است، ابتناء بر دوگانه مشروعیت الهی - مردمی است لیکن نه در رابطه عموم و خصوص من وجه بلکه ذیل منطق ارتباطی عموم و خصوص مطلق. بدین نحو که مشروعیت مردمی نیز از درون مشروعیت الهی و با منشأیی توحیدی به منصفه ظهور می‌رسد.

## یادداشت‌ها

۱. از آن جمله می‌توان به آیات شریفه زیر اشاره داشت:
 

«وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره / آیه ۳۰).

«اذْكُرُوا إِذْ جَعَلْنَاكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ» (اعراف / آیه ۶۹).
۲. از آن جمله می‌توان به آیات شریفه زیر اشاره داشت:
 

«فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا» (نساء / آیه ۴۱).

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا...» (بقره / آیه ۱۴۳).

«مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَادُمْتُ فِيهِمْ...» (مائده / آیه ۱۱۷).

«وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مَلَّةً أَيْبِكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ...» (حج / آیه ۷۸).

«إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ بِحُكْمٍ بِهَا التَّبَيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُونَ وَالْأَحْبَارَ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنَا...» (مائده / آیه ۴۴).

«وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالتَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (زمر / آیه ۶۹).
۳. برخی نویسندگان در این باره چنین نگاشته‌اند: «و لنعم ما قاله بعض الأجلة «قده»: إِنَّ الآية لو كان مفادها تحكيم سلطة الأمة في إدارة نفسها بتأويل الشورى إلى معنى الانتخاب لا معنى الاستشارة، لكان على الرسول (صلي الله عليه وآله وسلم) تثقيف الأمة وإعدادها بشكل وافر و بالغ على هذا النظام من الحكم» (بحرانی، ۱۴۲۶، ص. ۳۴۰).
۴. «ما كان لمومن ولا مومنة اذا قضى الله ورسوله امرًا ان يكون لهم الخيرة من امرهم» (احزاب / آیه ۳۶).
۵. «وَأَمَّا إِذَا حَرَّرَتِ الْأُمَّةُ نَفْسَهَا فَخَطَّ الْخِلَافَةَ يَنْتَقِلُ إِلَيْهَا، فَهِيَ الَّتِي تَمَارَسُ الْقِيَادَةَ السِّيَاسِيَةَ وَالْاجْتِمَاعِيَةَ فِي الْأُمَّةِ بِتَطْبِيقِ أَحْكَامِ اللَّهِ وَعَلَى أَسَاسِ الرِّكَائِزِ الْمَتَقَدِّمَةِ لِلِاسْتِخْلَافِ الرَّبَّانِيِّ» (صدر، ۱۴۲۱، ص. ۱۶۰).
۶. «الفرض الاول و هو افتراض دليل مطلق على الانتخاب يشمل حتى انتخاب غيرالفقيه فهذا هو الظاهر من عبارة استناذنا الشهيد...» (حسينی حائری، ۱۴۲۱ق، ص. ۱۷۲).

## کتابنامه

### قرآن کریم.

- اصفهان، محمدحسین (۱۴۱۸). حاشیه‌المکاسب. قم: انوار الهدی.
- بحرانی، محمد (۱۴۲۶). *أسس النظام السياسي عند الإمامية*. قم: مکتبه فدک.
- برجی، یعقوبعلی (۱۳۸۵). *ولایت فقیه در اندیشه فقیهان*. تهران: سمت.
- البلعید، الصادق (۱۹۹۹). *القرآن و تشریح، تونس: مرکز النشر الجامعی*.
- پورفرد، مسعود (۱۳۸۴). «مبانی و مبادی اندیشه سیاسی شهید صدر»، حکومت اسلامی. ۱۳(۵۰): ۱۵۵-۱۸۴.
- پورفرد، مسعود (۱۳۸۶). «بازخوانی اندیشه سیاسی شهید صدر»، *یگاه حوزه*. شماره (-) ۲۰۶: ۲۳-۱۸.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۱). *کتاب البیع* (۵ جلد). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- حسینی حائری، سیدکاظم (۱۴۲۴). *ولایت الأمر فی عصر الغیبه*. قم: مجمع اندیشه اسلامی.
- خویی، سیدابوالقاسم (بی‌تا). *مصباح الفقاهه*. بی‌جا: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۳). *اقتصاد م.ا*. قم: انتشارات در الصدر (پژوهشگاه علمی - تخصصی شهید صدر).
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۱ق). *الاسلام يقود الحياة* (موسوعة الشهيد الصدر، ج ۵). قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر.
- فاضلی، میرزا (۱۳۹۰). «بررسی جایگاه مردم در فرآیند قدرت در نظام سیاسی (از منظر شهید صدر و آیت‌الله نائینی)»، *مجله بلاغ*، ۹(۳۴): ۲۴-۶۱.
- مهاجرنیا، محسن (۱۳۸۹). *اندیشه سیاسی متفکران اسلامی: فقه سیاسی*. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- منتظری، حسین علی (۱۴۰۹). *دراسات فی ولایت الفقیه و فقه الدولة الإسلامية* (۴ جلد). قم: تفکر.
- منتظری، حسین علی (۱۴۱۷). *نظام الحکم فی الإسلام*. قم: سرایی.
- نائینی، محمدحسین (۱۴۲۴). *تنبيه الأمة و تنزیه الملة*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

